

پای پوش



استاد رجب میگوید:
«دیگر مدتی است
کارما ورافتاده...»

«۱۸ سال است گیوه کشی میکنم» اوشکایهاداشت
و میگفت «در قزوین فقط سه نفر گیوه کش باقی
مانده اند که آنها هم بسختی امرار معاش میکنند
و اکنون روزانه در قزوین بیش از شصت جفت گیوه
تیه میشوند، اوایل بهتر بود» مقصودش از
«او ایل» آرزو هائی بود که نازم استاد شده
بود. سر تکان میداد و میگفت «اروز ها در
بازار قزوین روزی پانصد جفت گیوه فروش
میرفت اما حالا ۴۰۰۰۰ * ضمناً از سؤالاتیکه
که میکردیم ناراحت میشد و خیال میکرد
درصد دهمتیم گیوه کشی را ماشینی کنیم و
در دادن توضیحات محافظه کاری میکرد.

نام استاد پیر محمد رجب بود و شصت
سال از عمرش میگذشت. ریشی سفید و
پشمائی با فروغ و جفتهای نحیف داشت. در
کنار دکان او کفایش بود که با روبه گیوه
کهنه و تسماج کفش میدوخت و برای ساختن
تخت آن از لاستیکهای موردی و فایرستوندا
استفاده میکرد او از کارش راضی بود. کار او
زودتر حاضر میشد و گراشش بفروش میرفت.
استاد رجب میگفت: «دیگر کار ما ور
افتاده و بسختی زندگی میکنیم مثل اینکه حالا
گیوه های تخت لاستیکی خواهان بیشتری دارد»
بالاخره استاد رجب اسرار کارش را هویدا کرد
و رموز آنرا بما آموخت. شاید چون او پیرتر
از استاد محسن بود کمتر از وی بآینده امید
داشت و اهمیت میداد که گیوه کشی ماشینی
شود یا نشود

گیوه کشی

۱ - ابزار کار

الف. کتندة استاد: چوبی است
استوانه ای شکل که در حکم میز کار است و در

کوبندگیو پهلو ان وسردار نامداز ابرائی
چون از سوی پدش نمودن برای یافتن کبشرو
و آوردن او بایران گماشته شده بود در جامه
چپا نکر دان در کشور توران گردش کرده
سراغ کبشرو را از این و آن میگرفت. از
بسیاری راه هیچ کفشی بر پای گیوه دوام نیاورد
و پای برهنه ماند تا بالاخره گور خری شکار
کرده از پوست آن پایبوشی برای خود ساخت
که کمایش مانند گیوه امروزی بود.

«چنین تا بر این هفت سال»
«میان سوده از نیسغ و بند و دو ال»
«خودش گور دیبوشش هم از جرم گور»
«کیا خورد گاهی و گاه آب شور»
سر انجام کبشرو را در بیشه های آکنار
چشمه های یافت و او را با مادرش فرنیس بایران
آورد. گیوه چون از دوام و استحکام کفشی که
خود ساخته و یافته بود سوده ها برده بون ساختن
آنرا بدیگر ایرانیان نیز آموخت. از اینروست
که این پایبوش را باو منسوب دانسته گیوه
نامیدماند و نیز گویند نام آن کفش تخت
«گیمخت» «کوتامشده» «گیوه آموخت» بوده است.

صنایع دستی ایران در حال مرگ

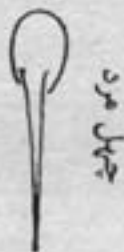
در بازار قزوین بادو استاد گیوه کشی
بیر صحبت را باز کردیم یکی جوان بود و
دیگری پیر. استاد محسن جوان بود و میگفت

«صممت با کاف عربی چرمی است که از
سافری اسب و خر گرفته دیهانت کنند»

ایرانی

قطع کردن کرباس در طول تخت گیوه .
و. چهل مرد: آلتی است که پس از

رد شدن نسجه از کرباس
 تخت گیوه جهت مهار کردن
 آن بکار میرود . این آلت را
 از اینرو چهل مرد مینامند
 که میگویند با اندازه چهل مرد
 پیرو توانائی دارد .



وسط آن میخ قطوری فرو شده است بنام میخ
 کنده و نخته متعبل شکلی که وسط آن

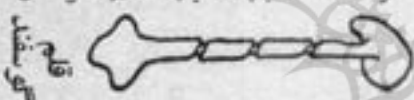


سوراخ میباشد بطور آزاد در دور میخ حرکت
 میکند .

ب. کنده شاگرد: نظیر کنده
 استاد است ولی میخ و نخته ندارد .

ز. درفش: آلتی است نظیر چهل مرد
 ولی بانوک نیز تر که جهت باز کردن و فراخ
 نمودن سوراخ تعبیه شده بوسیله برکه ورد کردن
 نسجه از تخت گیوه بکار میرود .

ح. قلم کوسفند: استخوان پای
 کوسفند است یا چند شیار که در قطر آن



حک کرده است و برای کشیدن و محکم
 کردن نسجه هنگام مهار کردن تخت گیوه



ج. مشته: آلتی
 است برای کوبیدن
 چرم و کرباس و عمل
 آوردن آن .

د. بزرگه: تیغه ای استانی بکار میرود .

است نظیر کاربرد کفافی
 که برای بریدن اوج علوم استانی
 تراشیدن چرم بکار
 میرود .



ه. برنگ: درفش است برای



مشهدی عباس که از
 پاکستان برای خریدن
 گیوه به قزوین آمده
 میگوید « اوستا چون
 تخت لاستیکی بده ،
 دوامش بیشتره »



ب. کهنه کرباس: یکی دیگر از مصالحی که اهمیت آن در ساختن گیوه کمتر از پوست سر گاو نیست کهنه کرباس است. کهنه کرباس نیز همان البسه کهنه روستائیان است که کهنه فروش دوره گرد از دهات جمع آوری کرده در شهر به استاد گیوه کش میفروشد.

ج. نخ: یکی دیگر از مصالح گیوه بافی نخ پنبه‌ای و نخ سهام میباشد که جهت بافتن روبه گیوه بکار میرود.

۳- طرز کار

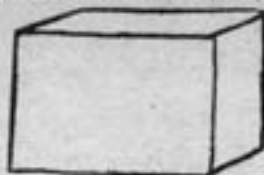
استاد گیوه کش کهنه کرباسها را در تفری خیسانده قطعه قطعه میکند. این قطعه ها معمولاً دارای طولی بیش از عرض پای انسان (تقریباً ۲ سانتیمتر) میباشد. آن وقت استاد گیوه کش این عرض ۳ سانتیمتری را سه بار نامیزند و بشکل نواری بطول ۱۲ سانتیمتر و عرض یک سانتیمتر در آورده روی کشنده میکوبد و ۲۰ الی ۲۵ عدد از این نوارها حاضر کرده روی هم می‌چیند.



استاد گیوه کش کهنه کرباسها را...

حال به نینیم استاد گیوه کش با کفش های دهاتی چه رفتاری مینماید. وی از این کهنه کفشها هم مقداری در تغار می‌خیساند و سپس آنرا با مشته میکوبد و صاف مینماید و بعد چرم حاصل را بصورت نوارهایی بطول ۵ و عرض ۱ سانتیمتر با گز نه میبرد و تقریباً ۱۰ عدد از این نوارها را در کنار هم قرار میدهد و یکی از مهمترین قسمتهای گیوه را تشکیل میدهد. این قسمت سم گیوه نامیده میشود و در هر گیوه‌ای دوسم، یکی در جلو و دیگری

ط. تخته خطکش درفش: تختهای است بشکل مکعب مستطیل که



تخته
خطکش
درفش

هنگام سوزاخ کردن تخت کرباس گیوه جهت مهار کردن آن بکار میرود.

ک. قلاب: سوزنی است با سر قلاب



مانند برای بافتن و دوختن روبه گیوه.

۴- مصالح

الف. چرم سر گاو: روستائیان کفشهای را که بدست خویش از چرم سر گاو برای خود می‌سازند پس از فرسوده شدن به کهنه فروش دوره گرد میفروشند و وی آنها را با سودی عادلانه در شهر به استاد گیوه کش میفروشد و استاد آنها را در بهم بدو نوار گاه خود می‌بازد.



چرم پوست سر گاو

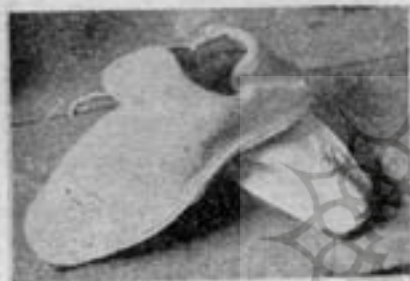
کرده است با درفش از سوراخها میگذرانند و همیشه سر تسمه از سردیگر سوراخ پدیدار گردید با چهل مرد آنرا کشیده و مهار میکنند و با قلم استخوان در حالیکه تسمه را سه مرتبه در روی شیارهای دور آن پیچیده محکم میکشند تا نوارهای تخت گیوه محکم بیکدیگر اخت و جور شوند. آنوقت استاد سر تسمه‌ها را از دو طرف بسمه‌ها اتصال میدهد و اسکلت تخت گیوه را بدست می‌آورد. سپس استاد با نخته خطکش محکم به زائده‌های اطراف تخت میکوبد و اضافات آنرا جدا میکند و با نخ پنبه‌ای که دوسه بار تاب خورده است دور تا دور کف داخلی تخت گیوه را مغزی می‌دوزد.



اسکلت تخت گیوه

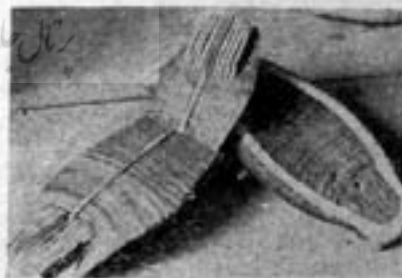
درغیب، وجود دارد. حالا هنگام آن رسیده است که استاد سبها و نوارهای تخت گیوه را بیکدیگر متصل سازد. وی در کنار خود منقلی دارد که همواره نوک برگ و درفش و چهل مرد دوزیر خاکپز گرم آن مخفی است.

اکنون استاد برگ‌ها را از زیر خاکستر گرم بیرون میکشد و نخته درفش را به میخ کنده و نوارها را به نخته تکیه میدهد و برگ را با قوت بنوارها فرود می‌نماید تا همه آنها در یک ردیف قطع بخورد. معمولاً در فواصل معینی پنج قطع بنوارها می‌زند و بعد با درفش سوراخ محل این قطع‌ها را فراختر می‌نماید. برگ و درفش اگر گرم نشده باشد کاری از پیش نمی‌رود و اگر داغ باشد کریاس را می‌سوزاند. ابزار کار گیوه‌کشی باید همیشه در زیر خاکستر گرم خفته باشد تا بکار آید. پس از فراخ کردن سوراخ تخت گیوه استاد تسمه‌های را که شاگرد از نقاله و پازمانده چرمها تهیه



سر انجام گیوه برای فروش آماده است

تا اینجا کار درست مردان است و در بازار و کارگاه انجام میشود. اکنون استاد گیوه‌کشی تک سخت از تخت هائیرا که مغزی آن دوخته شده است به‌عنازل تردزنان پافنده می‌فرستد و از این پس زنها با دستهای ظریف خود در خانه‌ها کار را دنبال میکنند. زنها هنگام کار در اندرون نمیتوان دید ولی اگر احیاناً بشود بکارگاه آنان است یافت چهره مخفی میکنند و فقط دستها و انگشتان لطیف و حنا بسته آنان دیده میشود که بجایاکی رویه گیوه را با نخ سهام پنبه‌ای می‌دوزند.



تخت گیوه پس از سای شدن و دوخته شدن مغزی روی آن

گرد آوری ا. خسرورضایی - فروردین پازمانده